

سیر تحول در برنامه‌ریزی شهری ایران نمونه موردی: شهر ارومیه

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۸/۱۱/۲۰

محمد علی پورعلی (دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرنده، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنده، ایران)
جواد شریف نژاد* (عضو هیأت علمی گروه معماری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران)
میر سعید موسوی (عضو هیأت علمی گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)

چکیده

با پیشرفت جوامع و گسترش شهرها، روش‌های برنامه‌ریزی شهری دیگر پاسخگوی نیازها و مشکلات شهرها نبوده و نیاز به توسعه این روش‌ها بیشتر می‌شود. این تحقیق به عنوان یک تحقیق تحلیلی، به روش توصیفی، مقایسه‌ای- تطبیقی انجام شده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و روش دلفی و ابزارهای مشاهده، مطالعات میدانی، پرسشنامه متخصصان استفاده شده است. بررسی‌ها نشان داد که روند توسعه برنامه‌ریزی شهری در شهر ارومیه از کشور تبعیت می‌کند و از نظر تنوع و سلسله مراتب طرح‌های تهیه شده، در تمامی سطوح اقدام به تهیه برنامه شده است. همچنین با وجود اینکه در بسیاری از موارد برنامه‌های تهیه شده از برنامه‌های فرادست خود تبعیت می‌کنند، ولی این تبعیت در برخی موارد با نقایصی مواجه است. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داد با وجود اینکه برنامه‌ریزی شهری در طول چند دهه اخیر از نظر تهیه برنامه‌های مختلف پیشرفت داشته است، ولی به دلیل عدم دقت و تمرکز کافی در بررسی نیازها، مسائل و مشکلات شهر، این برنامه‌ها نتوانسته‌اند به اندازه کافی مؤثر واقع شوند.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی شهری، ارومیه، طرح‌های شهری، طرح جامع، طرح تفصیلی.

مقدمه و بیان مسئله

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد تغییرات فناوری شتاب روزافزونی یافته و پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از نوع سنتی را بسیار دشوار ساخته است. این پدیده همراه با ناپایداری روزافزون بازارها، ایجاب می‌کند جوامع از این دست خود را اسیر چارچوب‌های تنگ برنامه‌های سنتی نکرده همواره گوش به زنگ و آماده رویارویی با وضع جدید باشند. رشد سریع جمعیت و به موازات آن افزایش مشکلات و ناهنجاری‌های کالبدی و غیرکالبدی در شهرهای امروزه به همراه ناکارآمدی طرح‌های توسعه شهری سنتی جهت بر طرف نمودن این مشکلات، سبب گردیده که برنامه‌ریزان به دنبال ارائه رویکردهای نوین در برنامه‌ریزی شهری باشند. دقت در سیر تحول برنامه کشورها نشان می‌دهد که وقتی اصول و سیاست‌های توسعه‌ای برای مجریان مشخص‌تر و محدودتر بوده‌اند برنامه‌ها آسان‌تر به اهداف خود رسیده‌اند، لکن تحول تدریجی در دگرگون سازی نوع، روش و محتوی برنامه‌ها و تغییر جهت فعالیت دولت‌ها (خصوصاً در عرصه توسعه اجتماعی و خدمات زیربنایی) از دستوری به ارشادی و رهنمودسازی، سرعت و میزان موفقیت برنامه‌ها و دستیابی به اهداف را بسیار بالا برده است. در این رابطه نقش مدیران شهری کاردان در قالب یک نهاد مدیریتی فراگیر و کارآمد در رفع مشکلات و نیازهای روز افزون شهروندان ضرورت پیدا می‌کند. حکمروایی مطلوب شهری رهیافتی ساختار شکنانه به برنامه‌ریزی توسعه شهری دارد و با مشارکت و کنش متقابل میان بازیگران اصلی مدیریت شهری یعنی جامعه مدنی، حکومت و بخش خصوصی، الگوی شهرنشینی ارتباطی را پیش می‌گیرد. از دهه ۱۹۹۰ رویکرد راهبردی به سازمان‌دهی فضا بسیار متداول گردیده است. اکنون بیش از پیش تصور می‌رود که راه حل مشکلات پیچیده، بستگی به توانایی ترکیب چشم‌اندازهای راهبردی با اقدامات کوتاه مدت دارد. اجرای این گونه برنامه‌ریزی مستلزم پاسخگویی در قالب چارچوب‌های زمانی و بودجه‌ای و ایجاد آگاهی برای سیستم‌های قدرت می‌باشد. با آغاز قرن معاصر، به دنبال تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، شهرسازی نوین در ایران آغاز گردید و با تصویب قوانین متعدد، تهیه و اجرای طرح‌های خیابان‌کشی در شهرها شروع شد و مداخلات عمده‌ای در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران صورت گرفت. شروع واقعی تهیه و اجرای طرح‌های جامع در ایران را می‌توان با تهیه برنامه عمرانی چهارم کشور هم‌زمان دانست. در این برنامه، طرح‌ها صراحت بیشتری یافتند و چگونگی خدمات‌دهی در آن زمینه‌ها مدون شدند. براساس برنامه یاد شده، طرح‌ها می‌بایست در دو مرحله اجرا می‌شدند، در مرحله اول شناخت وضع موجود شهر از نظر جمعیتی، اقتصادی و کالبدی، و در مرحله دوم، تنظیم برنامه‌های کوتاه مدت شهر براساس طرح جامع و انطباق فعالیت‌های شهرداری با آن، محور موضوعات قرار می‌گرفتند. بررسی شرح

خدمات طرح‌های جامع در این دوره، بیانگر توجه طرح به رفع مشکلات آتی، نگرش نسبتاً جامع به شهر و نگاهی به مسائل منطقه‌ای به منظور تدوین این طرح‌ها است. افزایش جمعیت شهرها و توزیع نامتناسب آن در طول برنامه چهارم، مشکلات تازه‌ای در نظام شهری ایجاد نمود و دست‌اندرکاران مسائل شهری را بر آن داشت تا با وجود گسترش لجام گسیخته شهرها جدی‌تری بیندیشند. به همین سبب در برنامه پنجم (۵۶ - ۱۳۵۲) اهداف طرح‌های جامع هدایت و توسعه منظم شهرها، ایجاد هماهنگی در توزیع تأسیسات و تجهیزات شهری و هم‌چنین راهنمایی و ارشاد شهرداری‌ها برای رفع مشکلات شهری عنوان شد که نشانگر توجه وسیع‌تر طرح‌ها به مسائل منطقه‌ای از یک سو و مسائل اجرایی از سوی دیگر می‌باشد. شرایط تحقق‌پذیری طرح، الزامات مورد نیاز برای رسیدن به چشم‌انداز، اهداف، راهبردها و اجرای کامل سیاست‌های اجرای طرح‌های جامع در واقع طرح تفصیلی است که در نهایت بیان درخواست تهیه کنندگان، تصویب کنندگان و مجریان طرح‌های توسعه شهری از کلیه مراجع در نظام جمهوری اسلامی است، چرا که اجرای موفقیت‌آمیز طرح در گروی تحقق همه جانبه و عملیاتی شدن آن‌هاست که برای اولین بار در این‌گونه اسناد آمده است.

سؤالات تحقیق

این مقاله با هدف ارزیابی تحقق‌پذیری طرح‌های توسعه شهری در سیر تحول توسعه برنامه‌ریزی شهری در ایران آغاز شده است. سؤالات اولیه‌ای که پژوهشگر در آغاز مطالعه با آن‌ها مواجه بوده و در نظر دارد تا آن‌ها را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد شامل موارد زیر می‌باشد:

- برنامه‌ریزی شهری در ایران از زمان آغاز تاکنون چه تحولاتی داشته است؟
- آیا تحولات به وجود آمده در برنامه‌ریزی شهری ایران کارآمد بوده و می‌تواند پاسخگوی نیاز شهر و شهروندان باشد؟

اهداف تحقیق

برنامه‌ریزی شهری در جهان و ایران تاکنون دستخوش تغییرات بسیاری شده است و این تغییرات همواره در راستای بهبود کیفی برنامه، افزایش گستره نفوذ و تسهیل تحقق‌پذیری آن‌ها بوده است. این تغییرات گاه باعث بهبود وضعیت شهرها و دقت در ترسیم آینده شهر و برنامه‌ریزی برای آن شده است و گاه به دلیل مشکلاتی که با خود به همراه داشته‌اند، صرفاً مشکلات بیشتری را بر دوش نهادهای دخیل در امور شهری افزوده‌اند. هدف از این پژوهش،

بررسی سیر تحول برنامه‌ریزی شهری در ایران و به دنبال آن شهر ارومیه است تا بتوان با تحلیل آن، به این نتیجه دست یافت که تحول و تغییرات صورت گرفته در حوزه برنامه‌ریزی شهری تا چه میزان توانسته است به مدیریت شهری جهت رشد و توسعه شهری کمک کند.

روش تحقیق

ماهیت این تحقیق تحلیلی و بررسی تاریخی بوده و شیوه انجام تحقیق، توصیفی و مقایسه‌ای- تطبیقی می‌باشد. در این پژوهش ابتدا با توجه به موضوع تحقیق و در راستای اهداف پژوهش جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد. با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مفاهیم مربوط به برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی شهری و سیر تحول آن در جهان و ایران مشخص شد. از روش مطالعات میدانی و ابزارهای مشاهده، پرسشنامه جهت گردآوری داده و جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. با استفاده از ابزار مشاهده، اطلاعات مورد نیاز از محدوده مورد مطالعه جمع‌آوری شده تا در روند پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. همچنین برای جمع‌آوری اطلاعاتی که امکان دستیابی به آن‌ها از طریق مطالعات میدانی وجود نداشت، از روش دلفی استفاده شد به این شکل که پرسشنامه‌ای تدوین شد و در میان متخصصان شهری توزیع گردید. روش دلفی به طور عمده با هدف کشف ایده‌های خلاقانه و قابل اطمینان و یا تهیه اطلاعاتی مناسب به منظور تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش به منظور بررسی نگرشها و قضاوت‌های افراد و گروه‌های متخصص و نیز ایجاد هماهنگی بین دیدگاه‌ها، به نظرسنجی از افراد می‌پردازد. این نظرسنجی‌ها با استفاده از پرسشنامه و بدون الزام افراد به حضور در محلی معین، طی چندین مرحله انجام می‌شود. در پایان جمع بندی، ارزش گذاری و تحلیل مجموعه دیدگاه‌ها و نظرهای افراد، مبنای هدف گذاری، تدوین برنامه و یا تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد.

جامعه آماری و حجم نمونه

حجم نمونه مورد استفاده در روش دلفی برای پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، ۳۵ نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه برنامه‌ریزی شهری در شهر ارومیه می‌باشند. این افراد شامل کارشناسان شاغل در اداره راه و شهرسازی استان آذربایجان غربی، کارشناسان شهرداری ارومیه، استانداری آذربایجان غربی و تعدادی از متخصصین مهندسی مشاور می‌شود.

قلمروی مکانی تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق حاضر شهر ارومیه واقع در استان آذربایجان غربی می‌باشد. موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان غربی در طول تاریخ این منطقه بسیار مهم و قابل توجه می‌باشد.

طرح و برنامه‌های شهر ارومیه

همزمان با شروع برنامه‌ریزی شهری در کشور، اقدامات لازم جهت تهیه طرح‌های توسعه شهری برای ارومیه نیز آغاز شد. اولین طرح تهیه شده، طرح جامع رضائیه (ارومیه) بود که توسط مهندسین مشاور عمران و توسعه در سال ۱۳۵۵ تهیه شد. با تهیه این طرح، روند برنامه‌ریزی شهری در قالب تهیه طرح‌های توسعه شهری برای شهر ارومیه آغاز شد و در ادامه و در سال ۱۳۵۷ طرح تفصیلی شهر ارومیه نیز بر مبنای طرح جامع، تهیه شد. از آن زمان تاکنون روند تهیه طرح‌های شهری با توجه به مبنای زمانی تعیین شده ادامه داشته است و علاوه بر طرح‌های جامع و تفصیلی، طرح‌های دیگری نیز در راستای توسعه و عمران استان و شهر تهیه شده است. جدول زیر دربرگیرنده طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با توسعه شهری ارومیه می‌باشد.

جدول ۱- طرح‌ها و برنامه‌های مرتبط با شهر ارومیه

سال	طرح و برنامه‌ها	مقیاس
۱۳۸۵	طرح برنامه آمایش سرزمینی استان آذربایجان غربی	ملی و منطقه
۱۳۸۲	طرح کالبدی منطقه آذربایجان	
۱۳۸۳	سند ملی توسعه استان	
۱۳۷۹	طرح جامع ناحیه‌ای ارومیه (ارومیه - سلماس)	استان و شهرستان
۱۳۸۳	طرح توسعه شهرستان ارومیه	
۱۳۸۵	طرح جامع مسکن استان	
۱۳۹۲	مطالعه مکانیابی و ظرفیت سنجی مناطق اسکان اضطراری استان	
۱۳۵۵	طرح جامع رضائیه (ارومیه)	
۱۳۶۹	طرح جامع شهر ارومیه	
۱۳۸۹	طرح جامع تجدید نظر شهر ارومیه	
۱۳۵۷	طرح تفصیلی رضائیه ارومیه - مهندسین مشاور توسعه و عمران	شهر
۱۳۷۳	طرح تفصیلی شهر ارومیه	
۱۳۸۱	طرح مکانیابی ساختمان‌های مسکونی چهار طبقه و بیشتر شهر ارومیه	
۱۳۸۰	طرح جامع حمل و نقل شهر ارومیه	
۱۳۸۳	و توانمندسازی ساکنان سکونتگاه‌های امکان‌سنجی ارتقای محیط شهری	

۱۳۸۴	گزارش امکانسنجی طرح بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهر ارومیه
۱۳۸۵	طرح ساماندهی و تفصیلی ویژه بافت‌های فرسوده ارومیه
۱۳۸۷	طرح توسعه گردشگری شهر ارومیه
۱۳۸۸	مطالعات طرح جامع فضای سبز شهر ارومیه
۱۳۹۸	طرح تفصیلی ارومیه- مهندسين مشاور طرح و آمایش

مأخذ: نگارنده

روش دلفی، اهداف و کاربرد روش دلفی

روش دلفی به عنوان یکی از روش‌های ساخت یافته برای ایجاد اتفاق نظر در شرکت راند و در دهه ۱۹۵۰ میلادی ابداع شد. روش دلفی نیز که اولین بار در زمینه پیش‌بینی به کار رفت، وسیله‌ای برای نگاه به آینده بود و از این رو نام دلفی بر آن نهاده شد (علیدوستی، ۱۳۸۵). هدف اصلی دلفی، پیش‌بینی آینده بود اما در زمینه‌های تصمیم‌گیری و افزایش اثربخشی آن، قضاوت، تسهیل حل مسأله، نیازسنجی، هدف‌گذاری، کمک به برنامه‌ریزی، تعیین الویت، پیش‌بینی آینده، خلاقیت، سازمان دهی ارتباطات گروهی، جمع‌آوری گروهی اطلاعات، آموزش گروه پاسخ دهنده، تعیین سیاست‌ها، تخصیص منابع و اجماع یا توافق گروهی نیز به کار می‌رود. همچنین به عنوان روش تحقیق: تحقیق کمی در مطالعات توصیفی، روش تحقیق کیفی و تلفیقی ذکر شده است. در منابع به مصاحبه دلفی به عنوان نوعی مصاحبه اتنوگرافیک نیز اشاره شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

تجزیه و تحلیل پرسشنامه دلفی

جهت دستیابی به اهداف پژوهش و پاسخ به سؤالات مطرح شده، اقدام به تدوین و طراحی پرسشنامه‌ای بر مبنای روش دلفی شد. بدین ترتیب با در نظر گرفتن چند مرحله‌ای بودن پرسش از کارشناسان، پرسشنامه تهیه شد و در بین متخصصین توزیع گردید. پس از جمع‌آوری، پاسخ‌ها دسته بندی شده و براساس نتایج به دست آمده، پرسشنامه جدیدی تهیه شده و در بین همان افراد توزیع شد تا امکان بررسی دقیق‌تر و همه جانبه مسائل از طریق پیشروی گام به گام در مسیر تحقیق فراهم شود. بررسی پاسخ‌های متخصصین به پرسشنامه اول نشان داد که اداره کل راه و شهرسازی استان و شهرداری ارومیه، اصلی‌ترین نهادهای تصمیم‌گیر در زمینه برنامه‌ریزی شهری در ارومیه می‌باشند. سایر نهادهای دخیل در برنامه‌ریزی شهری ارومیه شامل استانداری، سازمان جهاد کشاورزی، منابع طبیعی، میراث

فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، نظام مهندسی ساختمان، سازمان‌های خدمات رسان، شورای اسلامی شهر، سازمان حمل و نقل شهری، نیروی انتظامی، سازمان تربیت بدنی و شرکت آب منطقه‌ای می‌باشند. حال آنکه پاسخ‌های متخصصین به این سؤال در پرسشنامه دوم محدود به اداره کل راه و شهرسازی استان، شهرداری، شورای شهر و استانداری شد. در پرسشنامه سوم دلفی، نقش اداره راه و شهرسازی به عنوان اصلی‌ترین نهاد برنامه‌ریزی شهری و تهیه‌کننده برنامه‌های شهری، شهرداری به عنوان مجری طرح‌های برنامه‌ریزی شهری، شورای اسلامی شهر به عنوان ناظر اجرایی و استانداری به عنوان کنترل‌کننده مغایرت‌های پیش آمده با برنامه‌های تهیه شده برای شهر (از طریق کمیسیون ماده ۵) مطرح شد. در زمینه مشکلات قانونی و اجرایی برنامه‌ریزی شهری در شهر ارومیه، در پرسشنامه اول مشکلاتی از قبیل عدم تخصیص مناسب سرانه کاربری‌های خدماتی، فرآیند اداری طولانی و عدم هماهنگی نهادهای مختلف با هم، عدم تحقق‌پذیری طرح‌ها، وجود ساخت و ساز غیرمجاز، شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی در حاشیه شهر، عدم خودکفایی اقتصادی شهرها، عدم رعایت ضوابط و مقررات طرح‌ها، مهاجرت پیش‌بینی نشده روستا به شهر، عدم ارتباط قوی با جامعه، عدم استفاده از نیروهای متخصص، کم‌رنگ بودن اعتماد به اجرای قوانین و عدم توجه به مسائل حمل و نقل و ترافیک بیان شد. علت عمده بروز این مشکلات در پرسشنامه دوم مورد بررسی قرار گرفت و نظارت ضعیف، ناتوانی مدیریت شهری در اجرای برنامه‌های تهیه شده، عدم وجود مدیریت یکپارچه شهری و تهیه طرح‌های شهری ضعیف توسط مهندسیین مشاور، به عنوان اصلی‌ترین عوامل بروز این مشکلات بیان شده است. در پرسشنامه سوم پیشنهاد شده است که نهادهای ناظر (شورای شهر در درجه اول و استانداری و اداره راه و شهرسازی در درجه دوم) با دقت بیشتری بر اجرای برنامه‌های شهری نظارت داشته باشند تا احتمال بروز مشکلات به حداقل برسد. همچنین ایجاد ساز و کار یکپارچه بین نهادهای مسئول در امور شهری (مدیریت واحد شهری) هم می‌تواند میزان نظارت و شفافیت را افزایش دهد و هم از انجام کارهای موازی پیشگیری کند تا به این صورت در زمان و هزینه نیز صرفه‌جویی شود. از سوی دیگر جذب افراد متخصص در حوزه شهری و استفاده به جا از آن‌ها می‌تواند ضعف فنی و نظارتی نهادهای مرتبط را نیز جبران کند. از سوی دیگر با توجه به تصویب طرح تفصیلی جدید شهر ارومیه و با توجه به رضایت نسبی پاسخ‌دهندگان از روند تهیه و تصویب این طرح و شروع اجرای این طرح، زمینه بهبود سیستم برنامه‌ریزی شهری در شهر ارومیه در بستر اجرای طرح تفصیلی جدید وجود دارد. بنابراین نهادهای مرتبط می‌توانند با دقت نظر در زمینه نظارت و اجرای طرح، باعث ارتقا و بهبود روند برنامه‌ریزی شهری در ارومیه شوند. در مورد میزان موفقیت و تأثیرگذاری

طرح‌های توسعه شهری در ارومیه، ۲۵ نفر از پاسخ دهندگان (۷۴ درصد) معتقدند که این طرح‌ها نه تنها موفق نبوده، بلکه هیچ تأثیر مثبتی بر روند توسعه شهری ارومیه نداشته است. این دسته از پاسخ دهندگان معتقدند، اصلی‌ترین دلیل این عدم توفیق، این است که شهرداری به عنوان بازوی اجرایی برنامه‌ریزی شهری، جهت تأمین منابع مالی مورد نیاز خود برخی از ضوابط و مقررات را نادیده گرفته و با تخلفات پیش آمده در این حوزه، صرفاً از طریق جریمه‌های مالی برخورد می‌کند. از سایر دلایل عدم توفیق می‌توان به در نظر نگرفتن شرایط خاص شهر در هنگام تهیه طرح‌های شهری و تدوین ضوابط، عدم انعطاف پذیری طرح‌های تهیه شده در برابر تغییرات شهر، عدم توانایی مالی مجریان برای اجرای کامل طرح‌ها و نیز نادیده گرفتن برخی ضوابط شهری و اعمال سلیقه از سوی مجریان و مدیران شهری اشاره کرد. از طرف دیگر ۷ نفر (۲۶ درصد) از پاسخ دهندگان معتقدند که طرح‌های توسعه شهری ارومیه به دلیل استفاده از روش‌های موفق امتحان شده و نیز مدیریت مالی موفق بوده‌اند. در پرسشنامه دوم نیز مختصان بیان کردند که با تقویت سیستم نظارتی، دقت بیشتر در تدوین ضوابط و تهیه طرح‌های شهری، حرکت از سوی مدیریت شهری فردی به مدیریت شهری جمعی (در جهت تمرکززدایی از قدرت مدیران) و همچنین تأمین منابع مالی کافی می‌توان شاهد تحقق‌پذیری بیشتر طرح‌های توسعه شهری بود. در زمینه تبعیت طرح‌های ارومیه از سطوح برنامه‌ریزی، نزدیک به ۸۰ درصد پاسخ دهندگان عقیده داشتند که سیستم برنامه‌ریزی موجود شهر ارومیه به دلیل ضعف‌هایی که در سطح بندی طرح‌ها وجود دارد، از سطوح برنامه‌ریزی تبعیت نمی‌کند. همچنین یکی از دلایل اصلی عدم تبعیت طرح‌ها از سطوح برنامه‌ریزی این است که طرح‌های موجود کافی نبوده و از طرف دیگر همین طرح‌ها نیز در سطح منطقه ارزش‌گذاری نمی‌شوند. راه‌های اصلاح این امر در پرسشنامه دوم مورد سؤال قرار گرفت و پاسخ‌دهندگان عقیده داشتند که با وجود اینکه برخی از طرح‌هایی که در شهر ارومیه تهیه شده است در سطوح مختلف برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد، ولی این طرح‌ها کافی نبوده و نیاز به تعریف و تهیه طرح‌هایی در سطح محلی، استفاده از روش ساختاری راهبردی برای تهیه طرح‌ها و تهیه طرح‌های موضعی و موضوعی براساس نیازهای ایجاد شده در زمان اجرای طرح‌های فرادست می‌باشد. نظر ۸۵ درصد متخصصان در خصوص کامل بودن فرآیند طرح‌های جامع به عنوان مبنای برنامه‌ریزی شهری در ارومیه این بود که این فرآیند کامل نبوده و نیاز به اصلاحاتی دارد. اصلاحات پیشنهادی آن‌ها شامل مواردی همچون سوق یافتن به سمت طرح‌های ساختاری و راهبردی، انطباق بیشتر با طرح‌های فرادست، قدیمی بودن ساختار طرح و لزوم انطباق با شرایط روز، توجه به عناصر ایجاد کننده بافت‌های شهری، مطالعات مدیریت بحران و بلایای

طبیعی، تمرکز بیشتر بر مطالعات کاربری زمین، استفاده از اسناد طراحی شهری، دسته‌بندی بافت‌های شهری، تمرکز بر مناطق نیازمند نوسازی و بهسازی، توجه به مسأله تراکم و کاربری، اولویت دادن و تمرکز بیشتر بر ضوابط و مقررات اجرایی و توجه به خصوصیات مختص هر شهر در تهیه طرح جامع بود. همچنین در پرسشنامه دوم پیشنهاد‌های پاسخ‌دهندگان کامل‌تر شد و شامل مواردی همچون: استفاده از روش‌های نوین برنامه‌ریزی شهری مانند Fuzzy-CDS، AHP، TOD، QSPM و...، توجه به ساختار پیچیده شهر و بررسی و تحلیل کارکردهای متنوع، منطقه‌بندی کالبدی، عملکردی، جمعیتی، مورفولوژیک و اقتصادی و ارائه برنامه‌های ویژه به هر یک از مناطق تعیین شده، مکان‌یابی اصولی و علمی کاربری‌های شهری قبل از تخصیص اراضی، تمرکز بر طرح‌های کوچک مقیاس به ویژه طرح‌های طراحی محور، توجه به مرزی بودن شهر ارومیه و سعی در استفاده از این پتانسیل در تدوین سیاست‌های توسعه شهر، توجه به مسأله رشد منفصل ارومیه (شهرک گل‌مان) و تدوین سیاست‌های مخصوص برای این منطقه، توسعه فرآیند فعلی طرح جامع (که مبتنی بر سه مرحله شناخت، تحلیل و ارائه طرح است) و افزودن مراحل دیگر به آن و همچنین نظارت مستمر بر روند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری شد. در پرسشنامه سوم اولویت‌بندی پیشنهاد‌های ارائه شده مورد سؤال قرار گرفت که نتایج آن در ادامه آورده شده است.

اولویت اول: نظارت مستمر بر روند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری
 اولویت دوم: منطقه‌بندی کالبدی، عملکردی، جمعیتی، مورفولوژیک و اقتصادی و ارائه برنامه‌های ویژه به هر یک از مناطق تعیین شده
 اولویت سوم: استفاده از روش‌های نوین برنامه‌ریزی شهری مانند Fuzzy-AHP، TOD، QSPM و...

اولویت چهارم: توسعه فرآیند فعلی طرح جامع (که مبتنی بر سه مرحله شناخت، تحلیل و ارائه طرح است) و افزودن مراحل دیگر به آن

اولویت پنجم: مکان‌یابی اصولی و علمی کاربری‌های شهری قبل از تخصیص اراضی
 اولویت ششم: تمرکز بر طرح‌های کوچک مقیاس به ویژه طرح‌های طراحی محور
 اولویت هفتم: توجه به ساختار پیچیده شهر و بررسی و تحلیل کارکردهای متنوع
 اولویت هشتم: توجه به مسأله رشد منفصل ارومیه (شهرک گل‌مان) و تدوین سیاست‌های مخصوص برای این منطقه

اولویت نهم: توجه به مرزی بودن شهر ارومیه و سعی در استفاده از این پتانسیل در تدوین سیاست‌های توسعه شهر

در زمینه برتری طرح‌های اجرا شده در شهر ارومیه، پاسخ‌های پرسشنامه حاکی از آن است که طرح جامع رضاییه مصوب ۱۳۵۵ (با ۶۶ درصد)، طرح تفصیلی مصوب ۱۳۷۳ (با ۵۷ درصد)، طرح جامع تجدیدنظر ارومیه مصوب ۱۳۸۹ (با ۶۰ درصد)، طرح تفصیلی رضاییه مصوب ۱۳۵۷ (با ۳۴ درصد)، طرح ساماندهی و تفصیلی ویژه بافت‌های فرسوده ارومیه (با ۳۴ درصد)، مطالعات طرح جامع فضای سبز شهر ارومیه (با ۲۵.۵ درصد) و طرح توسعه گردشگری ارومیه (۲۵.۵ درصد) بیشترین میزان موفقیت را داشته‌اند. از این میان به دلیل اینکه طرح تفصیلی ارومیه مصوب ۱۳۹۸ به تازگی مراحل تأیید و تصویب را پشت سر گذاشته است، هنوز کارشناسان نمی‌توانند در مورد بازخورد این طرح به درستی اظهار نظر کنند ولی با این وجود ۵۷ درصد پاسخ دهندگان به این موضوع اشاره کرده بودند که این طرح به خوبی از طرح فرادست خود (طرح جامع ۱۳۸۹) تبعیت کرده است. همچنین به دلیل اینکه موضوع برنامه‌ریزی شهری ارومیه در قالب طرح‌هایی مطرح می‌شود که به عنوان طرح‌های فرادست شناخته می‌شوند، طرح جامع رضاییه ۱۳۵۵، طرح تفصیلی ارومیه ۱۳۷۳ و طرح جامع تجدیدنظر ارومیه ۱۳۸۹ جهت بررسی بیشتر موضوع سؤال در پرسشنامه دوم قرار گرفتند. در پرسشنامه دوم متخصصان در پاسخ به دلایل برتری این طرح‌ها، دلیل برتری طرح جامع رضاییه ۱۳۵۵ را انطباق بیشتر طرح (نسبت به سایر طرح‌ها) با شرایط روز شهر و در نظر گرفتن ابعاد مختلف شهر و همچنین تحقق پذیری بیشتر طرح عنوان کردند. همچنین دلیل برتری طرح تفصیلی مصوب ۱۳۷۳ به دلیل تحقق پذیری بالای طرح بیان شده است. از طرف دیگر طرح جامع تجدیدنظر ارومیه ۱۳۸۹ به دلیل در نظر گرفتن طرح‌های پیش از خود و استفاده از روش‌های نوین، توانست نظر ۶۰ درصد متخصصان را به خود جلب کند، ولی تحقق پذیری کم این طرح (به گفته متخصصان) از اصلی‌ترین نقاط ضعف آن بیان شده است.

بررسی سیر تحول توسعه برنامه‌ریزی شهری در ارومیه

با توجه به اینکه طرح‌های تفصیلی براساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهری تهیه و تنظیم می‌شوند، می‌توان گفت که اساس برنامه‌ریزی شهری در ایران، طرح‌های جامع هستند، لذا از بین طرح‌های انتخابی توسط متخصصان، دو طرح جامع رضاییه و طرح جامع تجدیدنظر جهت بررسی بیشتر انتخاب شدند. در پرسشنامه سوم، با مقایسه‌ای که بین طرح جامع رضاییه و طرح جامع تجدیدنظر ارومیه انجام شد، متخصصان معتقد بودند طرح جامع رضاییه نه تنها از نظر تحقق پذیری موفق‌تر از طرح جامع تجدیدنظر ارومیه عمل کرده است، بلکه به دلیل دقت به مسائلی همچون شناخت همه جانبه امکانات و محدودیت‌های شهر، منطقه بندی تراکمی،

اجتماعی، کاربری، کالبدی و طبیعی (با توجه به عوارض طبیعی موجود)، نوسازی و بهسازی بافت‌های مسأله‌دار، استفاده از احتیاجات ساکنان مناطق مختلف جهت ارائه پیشنهادها، برنامه‌ریزی براساس ابعاد مسکن، بهداشتی، ارتباطی، گذران اوقات فراغت، حقوقی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی، ریشه‌یابی مشکلات به وجود آمده در شهر و سعی در حل ریشه‌های مشکلات، تعریف دقیق وظایف سازمان اجرایی وقت، توجه به نقش نیروی انسانی در بحث اجرایی و بررسی امکانات مالی و ارائه پیشنهاد تأمین منابع مالی برای اجرای طرح، نسبت به شرایط زمانی خود جامع‌تر بوده است. از طرف دیگر طرح جامع تجدیدنظر نیز با اینکه بسیاری از موارد مذکور را در بر می‌گیرد ولی عدم دقت در هنگام تدوین و تهیه طرح جامع به وضعیت موجود، باعث شده است تا بسیاری از برنامه‌های مطرح شده در این طرح، به مرحله اجرا نرسند. از سوی دیگر وقتی به اهداف برنامه‌ریزی طرح جامع رضاییه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این طرح از اهم هدف‌هایی به شرح زیر برخوردار بوده است:

- توجه به خط مشی توسعه شهری و تعیین اولویت‌ها در اصلاح هدف‌های رشد برای سامان دادن به پراکندگی بافت شهر و ایجاد تراکم همگن و متناسب بخش‌ها و احیای سیمای ارگانیک شهری همگام با توسعه برنامه‌های خانه‌سازی و پذیرش جمعیت اضافی درسالهای آینده.

- تأمین محیط کالبدی و اجتماعی متناسب از جنبه حفاظت اندام‌ها و بافت شهر و احترام به مبانی جامعه

- حفظ و توسعه باغات و اراضی مزروعی و منابع طبیعی و بطور کلی تأمین محیط زیست از خطرات توسعه شهری

- تثبیت نقش عوامل صنعت و کشاورزی و خدمات در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی شهر و منطقه بعنوان سه عامل همگام و متجانس و نیز توجه به امکانات و فعالیت‌های بازار کار و ترمیم معضلات ناشی از بیکاری رو به ازدیاد در منطقه شهری

- تأمین بهبود کیفیت مسکن - فضاهای عمومی - تأسیسات و تجهیزات و شبکه مناسب ارتباط شهری و توزیع منطقی آن در تمام سطوح و مصارف اجتماعی.

- توجه به نوسازی و بهسازی بخش‌های کهن مرکزی و نیز مناطق حاشیه نشین و بررسی کلیه اموری که تأثیرگذار بر این امر هستند.

همچنین با بررسی چشم‌انداز تهیه شده برای شهر ارومیه در طرح جامع تجدید نظر، به اهداف زیر می‌رسیم:

- شهر ارومیه شهری است تک مرکزی که مرکز قدیم آن فرسوده و ناکارآمد است، معاصر سازی مرکز قدیم شهر و چند مرکزی شدن آن لازم است.

- شهر ارومیه شهری گسترده است باید به شهری متراکم تبدیل شود. حفاظت از ارزش‌های محیط طبیعی شهر و پیرامون آن ضرورت توسعه پایدار شهر است، بنابراین رشد افقی شهر ارومیه باید متوقف شود.

- شهر ارومیه برای کسب جایگاه شهری گذشته خود در نظام شهری ملی باید با استفاده از ظرفیت‌های پنهان و آشکار محیطی شهر به ایجاد فضاهای شهری و عمومی معاصر و زمینه سازی برای روابط شهروندی اقدام کند.

- شهر ارومیه برای حفاظت و تقویت فرهنگ شهری باید امکانات گذران اوقات فراغت (فرهنگی ورزشی تفریحی و...) را تقویت و گسترش دهد.

- شهر ارومیه در چشم‌انداز آتی باید شهری معاصر، متراکم با کارکرد فراشهری و برخوردار از سیاست‌های توسعه پایدار باشد.

- مدیریت شهری هوشمند و قانون مدار (برای تداوم توسعه شهری با قابلیت رقابتی)

- بسترسازی برای توسعه گردشگری و تولید خدمات مورد نیاز گردشگران

- ارتقای کیفیت بافت‌های مسکونی و فضاهای شهری و افزایش آمادگی در برابر سوانح و بلایای طبیعی و مدیریت بحران

- ساماندهی و سازماندهی سامانه جابجایی در شهر

- ایجاد سازمان فضایی و ساختار کالبدی مناسب برای ارومیه از طریق: ایجاد مراکز شهری جدید برای حمایت از مرکز قدیم شهر و جلوگیری از بارگذاری اضافی بر مرکز قدیم، ایجاد و تقویت فضاهای شهری و عمومی برای حمایت و تشویق روابط شهروندی و افزایش تعلق خاطر به شهر با تولید شناسه‌های هویتی برای شهر (ساماندهی محور شهر چای)، استفاده از ظرفیت‌های موجود و پنهان شهر با استفاده از روش بازیافت، باز ساخت، باز تخصیص، ترمیم، تقویت و تجهیز بافت‌های شهری، تعطیل و انتقال فعالیت‌های ناسازگار شهری، تقویت استقرار فعالیت‌های سازگار و کارآمد شهری و پالایش محیط زیست با تراز مثبت زیست محیطی، تأمین خدمات شهری مورد نیاز ساکنان. با بررسی اهداف ذکر شده در طرح جامع رضاییه و بررسی نتایج اجرای طرح و نظر کارشناسان مشاهده می‌شود هرچند در ابتدای امر کلی به نظر می‌آیند، ولی دقت در تدوین سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی آن‌ها باعث شده است تا میزان تحقق‌پذیری این طرح و دستیابی به اهداف، به حد مطلوبی برسد. از سوی دیگر با اینکه اهداف طرح جامع تجدیدنظر دارای تنوع می‌باشند، ولی عمدتاً از نوع اهداف کالبدی هستند و به سایر ابعاد توجه کمی شده است، چرا که بررسی نتایج اجرای طرح و همچنین نظر متخصصان مبین این موضوع است که بسیاری از اهداف تدوین شده صرفاً جنبه شعاری داشته‌اند و به مرحله اجرا نرسیده‌اند.

بنابراین می‌توان اذعان کرد که با وجود اینکه برنامه‌ریزی شهری در طول چند دهه اخیر از نظر حجم کاری افزایش یافته است، ولی عدم دقت و تمرکز کافی در بررسی نیازها، مسائل و مشکلات شهر باعث شده است تا برنامه‌های ارائه شده در سال‌های اخیر نتوانند به اندازه کافی مؤثر واقع شوند. البته باید به این موضوع نیز اشاره کرد که با وجود اینکه طی سال‌های اخیر حجم و تنوع برنامه‌های ارائه شده برای شهر نسبت به دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است، ولی این رشد نتوانسته است در مقابل افزایش مشکلات، نیازها و پیچیدگی‌های زندگی شهری به خوبی پاسخگو باشد. در چنین شرایطی که عدم ضمانت اجرایی طرح‌های جامع در شرایط و مقاطع زمانی متعدد به اثبات رسیده است، لزوم تغییر رویه برنامه‌ریزی البته بر پایه داشته‌ها و تجربیات حاصل از طرح‌های جامع سنتی به روشنی قابل درک است. چرا که به لحاظ پیچیدگی و وسعت عوامل مداخله‌کننده در فرآیند برنامه‌ریزی عملاً برنامه‌ریزی بلندمدت را به برنامه‌ریزی کوتاه مدت و لحظه‌ای سوق می‌دهد که در قالب این برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت افق برنامه‌ریزی بلند مدت ترسیم می‌شود، امری که در بحث‌های روز شهرسازی از فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری، استراتژیک، مشارکتی و... عدول کرده و عنوان برنامه‌ریزی لحظه‌ای همراه با نگرش انعطاف پذیر را معنی می‌کند فرآیندی که دیگر نمی‌توان برای ۱۰ سال واکنش شهر، نقشه راه خاکستری ترسیم کرد و انتظار نتایج مطلوبی را داشت، بلکه با وضوح و حرکت گام به گام با تغییر و اصلاح مداوم فرآیند برنامه‌ریزی معنی پیدا می‌کند.

برنامه‌ریزی شهری در ایران از زمان آغاز تاکنون چه تحولاتی داشته است؟

در پاسخ به سؤال اول می‌توان گفت در ایران برنامه‌ریزی در امور از اوایل سلطنت پهلوی به صورت کلاسیک شروع شده است، با این همه به صورت مدون و با یک روال تشکیلاتی، شاید بتوان حرکت برنامه‌ریزانه در ایران را از سال ۱۳۱۶، یعنی سال تشکیل نهاد گونه شورای اقتصاد دانست. طرح‌های شهری با کیفیتی که هم اکنون در کشور متداول است، از ابتدای برنامه سوم عمرانی کشور در ۱۳۴۱ تا ۴۶ آغاز گردید. در ماده ۹۷ این قانون به ضرورت تشکیل شورای عالی شهرسازی اشاره شده بود و به موجب ماده ۹۸ آن، شهرداری‌ها مکلف به تهیه طرح‌های جامع شده بودند. قانون نوسازی و عمران شهری نیز در سال ۱۳۴۷ تصویب شد و طی آن مقرراتی در مورد ضوابط نوسازی شهری وضع شد. در ماده ۲۳ قانون اخیر شهرداری‌ها موظف شدند ظرف سه سال از تهیه طرح جامع، طرح تفصیلی شهر خود را تهیه نمایند. در اسفند سال ۱۳۵۱، قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به تصویب رسید. وزارت آبادانی و در سال ۱۳۵۲ قانون نظارت بر گسترش شهر تهران و در سال ۱۳۵۳ قانون

تغییر نام به تصویب رسید. ضمناً به موجب همین قانون، مواد ۹۷ و ۹۸ قانون شهرداری‌ها لغو شد و اختیار تهیه طرح‌های جامع شهری از شهرداری‌ها سلب و به وزارت مسکن و شهرسازی محول شد. به نظر می‌رسد این یک پسرقت جدی در زمینه عدم تمرکز به شمار می‌رود. در نهایت در برنامه عمرانی پنجم، دستگاه‌های دولتی به طور کامل عهده‌دار تهیه طرح‌های شهری متمرکز بر اساس شرح خدمات همسان انجام می‌شدند. بدین ترتیب که طرح‌های جامع توسط وزارت مسکن و شهرسازی و طرح‌های هادی در وزارت کشور بررسی و تصویب می‌شدند. گرچه دولت ایران به شیوه فدرالی اداره نمی‌شود، اما می‌توان سه سطح مختلف دولت را در آن تشخیص داد. یکم دولت ملی، دوم دولت استانی و سوم دولت محلی. زمانی که از کیفیت نازل مدیریت و حکمرانی شهری سخن می‌گوییم مراد ما همین سطح سوم دولت است. سطح سوم دولت شامل مدیریت‌های محلی در سطح شهرستان، شهر و ده است. در سطح شهرستان فرمانداری، در سطح شهر شورای شهر و شهرداریها و در سطح روستا دهیاریها فعالیت دارند. تا جایی که به تمرکز اداری مربوط است باید گفت شهرداریها در ایران به موجب قانون سال ۱۲۸۶ تأسیس شدند. مطالعه‌هایی در زمینه وظایف شهرداری‌ها بیانگر آن است که از ۵۳ وظیفه‌ای که بر عهده شهرداری‌ها قرار گرفته بود، به تدریج با تقویت دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آن، ۲۱ وظیفه به کلی از شهرداری‌ها وظیفه دیگر مشترکاً توسط شهرداری‌ها و سازمان‌های دولتی انجام می‌شود منتز و به دولت واگذار شد. تا جایی که به تمرکز سیاسی مربوط است، باید گفت شهرداری‌ها قبل از تشکیل شوراهای شهر در سال ۱۳۷۶ سازمان‌های بوروکراتیکی بودند که تحت نظر وزارت کشور فعالیت میکردند. با تشکیل شوراهای شهر، امید می‌رفت این وضع دگرگون شود و نمایندگان مردم در این شوراهای مدیریت شهری نظارت داشته باشند و ضامن تأمین عادلانه و توأم با کارایی خدمات شهری باشند و از تضییع حقوق مردم توسط بوروکراسی اداری حاکم بر شهرداری‌ها جلوگیری کنند. اما در عمل اختیارات شوراهای شهر چنان محدود شد که این شوراهای نتوانستند بر ماهیت برنامه‌ها و تصمیمات شهرداریها تأثیر مهمی بر جای گذارند. در قانون شوراهای شهر هر چند انتخاب اعضای شورای شهر به مردم واگذار شده و این شوراهای شهردار را انتخاب می‌کنند، اما اختیار شوراهای در زمینه وضع عوارض و بهای خدمات شهری بسیار محدود است. تا جایی که مربوط به قلمرو جغرافیایی فعالیت‌ها است، باید گفت قبل از تصویب قانون تعاریف محدوده‌ها و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها در سال ۱۳۸۴، محدوده‌های متعددی در ارتباط با برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تعاریف مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفت که باعث اغتشاش مفهومی بسیاری می‌شد.

آیا تحولات به وجود آمده در برنامه‌ریزی شهری ایران کارآمد بوده و می‌تواند پاسخگوی نیاز شهر و شهروندان باشد؟

در پاسخ به سؤال دوم باید گفت براساس مطالعات و تجزیه و تحلیل حاصل از پرسشنامه‌های دلفی، به این نتیجه می‌رسیم که تحولات به وجود آمده در برنامه‌ریزی شهری ایران از نظر حجم برنامه‌ها، تعداد برنامه‌ها، تنوع برنامه‌ها و همچنین ابعاد مختلفی که برنامه‌ها به بررسی آن‌ها می‌پردازند دارای رشد قابل توجهی بوده است، ولی از طرف دیگر با رشد شهرها و به تبع آن افزایش مشکلات و مسائل شهرها و همچنین پیچیدگی‌های زندگی شهری، این تحولات نتوانسته‌اند به طور کامل پاسخگوی نیاز شهروندان باشند. البته باید به این مسأله نیز اشاره کرد که این عدم پاسخگویی از یک سو ناشی از عدم همخوانی توسعه برنامه‌ریزی شهری با توسعه شهر و زندگی شهری است، ولی از سوی دیگر ناشی از عدم دقت در تهیه، اجرا و نظارت بر برنامه‌های تهیه شده برای شهر می‌باشد. ضعف برخی از شرکت‌های مهندسی مشاور در تهیه برنامه‌های شهری، عدم دقت در ارائه پیشنهادها، راهکارها و تدوین سیاست‌های اجرایی، عدم توجه به شرایط خاص هر شهر در هنگام تهیه طرح و استفاده از الگوهای مشابه برای شهرهای مختلف، عدم دقت در تدوین ضوابط و مقررات شهری در طرح‌های فرادست، عدم واقع بینی در تدوین چشم‌انداز و اهداف طرح، باعث شده است نیازهای شهر و شهروندان به طور کامل و درست برطرف نشود. از سوی دیگر اجرای ضعیف یا در برخی موارد عدم اجرای موارد درج شده در برنامه‌های توسعه شهری توسط عوامل اجرایی و بالاخص شهرداری، تغییر اولویت شهرداری‌ها از اجرای صحیح برنامه‌ها به درآمدزایی برای شهرداری، عدم وجود نظارت دقیق و کافی بر اجرای برنامه‌ها از سوی نهادهای ناظر مانند شورای اسلامی شهرها نیز مزید بر علت است. همچنین استفاده از روش‌های قدیمی دیگر نمی‌تواند پاسخگوی نیاز شهر امروزی باشد، یکی از دلایل تحقق پذیر بودن طرح‌های قدیمی، انطباق روش تهیه طرح با خصوصیات زمانی تهیه طرح بود، ولی امروزه و با پیشرفت روزمره شهرها، نیاز به استفاده از روش‌های جدیدی در تهیه برنامه‌های شهری می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت با وجود اینکه تحولات به وجود آمده در برنامه‌ریزی شهری ایران دارای جنبه‌های مثبتی بوده و در برخی موارد کارآمد بوده است، ولی نتوانسته است به طور کامل پاسخگوی نیاز شهر و شهروندان باشد.

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه در سالیان اخیر، برنامه‌ریزی شهری در ایران از نظر تعداد برنامه‌های تهیه شده، تنوع برنامه‌ها و همچنین ابعاد مختلفی که در برنامه‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار

می‌گیرند روند رو به رشدی را طی کرده است، ولی همچنان دارای نقاط ضعف بسیاری است. عدم جامع‌نگری به شهر و ابعاد مختلف شهر، ساختار غیرمنعطف برنامه‌های تهیه شده، عدم توجه به برنامه‌های فرادست در بسیاری از برنامه‌های تهیه شده، نظارت ضعیف، استفاده از ساختارها و روش‌های قدیمی که جوابگوی رشد و توسعه شهرها در دهه‌های اخیر نیستند، عدم توجه به منطقه‌بندی، در نظر نگرفتن شرایط خاص هر منطقه در تهیه برنامه‌ها، عدم پیش‌بینی مالی جهت اجرای برنامه‌های پیشنهادی، ضعف مطالعات اقتصادی و اجتماعی، کم‌اهمیت شمردن برنامه‌ها در هنگام تهیه و تدوین از سوی برخی از شرکت‌های مهندسی مشاور و بسیاری از موارد دیگر، نقاط ضعف برنامه‌هایی هستند که با هدف اصلاح امور و رفع مشکلات شهری تهیه می‌شوند. در نقطه مقابل طرح‌ها و برنامه‌هایی که در دهه‌های اخیر تهیه شده‌اند از طرفی به دلیل به روز بودن (در زمان تهیه طرح) و توجه به اکثر ابعاد زندگی شهری، و از طرف دیگر نیازها، پیچیدگی و مشکلات کمتر شهرهای آن سال‌ها توانسته‌اند توفیق بیشتری را نسبت به برنامه‌های زمان حال به دست آورند. با این وجود می‌توان مشکلات پیش روی برنامه‌ریزی شهری در شهر ارومیه را با سوق یافتن به سمت طرح‌های ساختاری و راهبردی، توجه بیشتر به فرآیند تهیه برنامه‌های شهری جهت انطباق بیشتر با طرح‌های فرادست، توجه به عناصر ایجاد کننده بافت‌های شهری، انجام دادن مطالعات مدیریت بحران و بلایای طبیعی، تمرکز بیشتر بر مطالعات تراکم و کاربری زمین، استفاده از اسناد طراحی شهری، دسته‌بندی بافت‌های شهری، تمرکز بر مناطق نیازمند نوسازی و بهسازی، اولویت دادن و تمرکز بیشتر بر ضوابط و مقررات اجرایی و توجه به خصوصیات مختص هر شهر در تهیه طرح جامع نظارت مستمر بر روند برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری، منطقه‌بندی کالبدی، عملکردی، جمعیتی، مورفولوژیک و اقتصادی و ارائه برنامه‌های ویژه به هر یک از مناطق تعیین شده، استفاده از روش‌های نوین برنامه‌ریزی شهری مانند CDS، Fuzzy-AHP، TOD، QSPM و غیره، بهبود فرآیند فعلی طرح جامع (که مبتنی بر سه مرحله شناخت، تحلیل و ارائه طرح است) و افزودن مراحل دیگر به آن، مکان‌یابی اصولی و علمی کاربری‌های شهری قبل از تخصیص اراضی، تمرکز بر طرح‌های کوچک مقیاس به ویژه طرح‌های طراحی محور، توجه به ساختار پیچیده شهر و بررسی و تحلیل کارکردهای متنوع، توجه به مسأله رشد منفصل ارومیه (شهرک گل‌مان) و تدوین سیاست‌های مخصوص برای این منطقه، در نهایت توجه به مرزی بودن شهر ارومیه و سعی در استفاده از این پتانسیل در تدوین سیاست‌های توسعه شهر و سیاست‌های مشابه برطرف کرده و باعث افزایش میزان تحقق‌پذیری برنامه‌های شهری، رفع مشکلات شهر، برطرف کردن نیازهای شهروندان و در نهایت توسعه بیشتر شهر و برنامه‌ریزی شهری در ارومیه شد. از سوی دیگر با

توجه به تصویب طرح تفصیلی جدید شهر ارومیه و شروع اجرای این طرح، زمینه بهبود سیستم برنامه‌ریزی شهری در شهر ارومیه در بستر اجرای طرح تفصیلی جدید وجود دارد. بنابراین نهادهای مرتبط می‌توانند با دقت نظر در زمینه نظارت و اجرای طرح، باعث ارتقا و بهبود روند برنامه‌ریزی شهری در ارومیه شوند. لزوم همکاری سازمان‌های مختلف در اجرای طرح می‌تواند زمینه ساز مدیریت واحد شهری باشد، تعریف شدن پروژه‌های مختلف در خلال طرح تفصیلی (مانند مسیرهای سبز و پیاده پارک جنگلی و تعیین محدوده‌های نیازمند طرح ویژه و...) نیز می‌تواند زمینه‌ساز تمرکز بر طرح‌های طراحی محور و استفاده از روش‌های نوین برنامه‌ریزی شهری باشد. بنابراین با یک اقدام هوشمندانه و مناسب، می‌توان باعث بهبود و تحول نظام برنامه‌ریزی شهری در شهر ارومیه شد.

منابع و مآخذ:

۱. احمدیان، ر. ۱۳۸۲. سیر تحول تهیه طرح‌های توسعه شهری در جهان و ایران. نشریه جمعیت، شماره ۴۳: ۱۰۹.
۲. بنکدار، ا. ۱۳۸۷. ارزیابی طرح‌های توسعه شهری تهران با تأکید بر طرح ساختاری-راهبردی (جامع) تهران مصوب سال. سمینار توسعه کالبدی و شهری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر.
۳. بیات، ع. ۱۳۷۳. کلیات جغرافیایی طبیعی و تاریخی ایران. انتشارات امیرکبیر. تهران.
۴. توکلی مقدم، ح. ۱۳۷۵. وجه تسمیه شهرهای ایران (بررسی نام‌های شهرهای ایران از دوران کهن تا عصر حاضر). انتشارات میعاد. تهران.
۵. جهانشاهی، ه.، وارثی، ح. ۱۴۰۰. تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک فضای شهری با رویکرد توسعه پایدار شهری نمونه موردی: بندر بوشهر. آمایش محیط. ۱۴(۵۵). ۱۰۱-۱۲۴.
۶. حسین زاده دلیر، ک. ۱۳۸۵. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۷. دانش پور، ز. ۱۳۸۲. درآمدی بر پایه‌های نظری و گونه بندی نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری. نشریه هنرهای زیبا. ۱۵(۱): ۵۷-۴۲.
۸. زنوز، ه. ۱۳۹۵. ارزیابی تحقق‌پذیری طرح‌های شهری در تهران. نشریه هفت شهر، (۵۳-۵۴): ۳۵-۸.
۹. زیاری، ک. ۱۳۸۸. اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
۱۰. زندیه، ا. ۱۳۹۶. بررسی عملکرد شهرداری‌ها در چارچوب رویکرد حکمروایی خوب شهری نمونه موردی: شهرداری شهر ملایر. آمایش محیط. ۱۰(۳۹): ۵۹-۷۶.
۱۱. سعیدنیا، ا. ۱۳۸۳. کتاب سبز شهرداری‌ها. جلد ۱۱ (مدیریت شهری). انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. تهران.
۱۲. شکویی، ح. ۱۳۸۵. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. جلد اول. انتشارات سمت. تهران.
۱۳. شماعتی، ع.، احمد پورا. ۱۳۸۴. بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
۱۴. شیعه، ا.، شکیبامنش، امیر. ۱۳۹۰. برنامه‌ریزی فضایی راهبردی (رویکردی کارا در نظام برنامه‌ریزی شهری). نشریه معماری و شهرسازی ایران. ۲(۱).

۱۵. صبوری، ا. ۱۳۹۷. تحلیلی بر رویکرد دوچرخه‌سواری به‌عنوان مدل حمل و نقل در بافت فرسوده شهر ارومیه. مطالعه موردی محله عسگرخان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه پیام نور مرکز ارومیه. ارومیه.
۱۶. صفی، س.، نظریان، اصغر. ۱۳۹۴. نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی (مطالعه موردی: شهر همدان). آمایش محیط، ۸(۲۹)، ۵۱-۷۴.
۱۷. علیدوستی، س. ۱۳۸۵. روش دلفی: مبانی، مراحل و نمونه‌هایی از کاربرد. فصلنامه علمی ترویجی مدیریت و توسعه. سال ۸(۳۱).
۱۸. کاظمیان، غ.، سعیدی رضوانی، ن. ۱۳۸۱. امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها. جلد دوم مدیریت شهری و شهرداری‌ها در ایران. انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. تهران.
۱۹. لی، کولین. ۱۳۶۶. مدل‌ها در برنامه‌ریزی شهری. ترجمه مصطفی عباس‌زادگان. انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ اول. تهران.
۲۰. مرادی مسیحی، و. ۱۳۸۴. برنامه‌ریزی استراتژیک و کاربرد آن در شهرسازی ایران. انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری. تهران.
۲۱. مرکز آمار ایران. ۱۳۹۵. نتایج سرشماری نفوس و مسکن. تهران.
۲۲. معاونت سنجش از راه دور و جغرافیا (اداره کل جغرافیایی). ۱۳۷۹. فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور (شهرستان ارومیه). انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. تهران.
۲۳. مهدیزاده، ج. ۱۳۸۲. امکانات و محدودیت‌های کاربرد برنامه‌ریزی راهبردی در ایران. فصلنامه مدیریت شهری. ۱۴.
۲۴. مهدیزاده، ج. ۱۳۸۲. برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران). انتشارات آرمان شهر. تهران.
۲۵. مهندسان مشاور خدمات مدیریت ایرانیان. ۱۳۸۶. مطالعات طرح آمایش استان تهران. مطالعات تحلیل نظام مدیریت و تصمیم‌گیری. فصل پنجم مدیریت شهری و روستایی.
۲۶. مهندسین مشاور شارمند. ۱۳۷۸. شیوه‌های تحقق طرح‌های توسعه شهری، جلد اول. سازمان شهرداری‌های کشور. تهران.
۲۷. مهندسین مشاور طرح و آمایش. ۱۳۸۹. طرح تجدید نظر طرح جامع شهر ارومیه: جلد یک. بررسی و شناخت شهر. وزارت مسکن و شهرسازی.

۲۸. مهندسین مشاور طرح و آمایش. ۱۳۹۸. خلاصه گزارش طرح تفصیلی یکپارچه شهر ارومیه. اداره کل راه و شهرسازی آذربایجان غربی. ارومیه.

۲۹. هال، پیتر. ۱۳۸۷. برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. ترجمه جلال تبریزی. انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران. تهران

30. Albrecht, J. 1986. Development, context & purpose of planning. The journal of the school of architecture- University of illinois. 3(2).
31. Litman, T. 2013. Planning principles and practices. Victoria Transport Policy Institutions. Victoria.
32. Qinghai, s., Shanqing, S. 1990. Economic Development and Reform, Problems and Prospects, in D. M Kemme et al(ed), The End of Central Planning Socialist Economies in Transition, Institute for East-West Security.
33. Tanguy de B.1997. Medium – Term Economic Planning in European Market Economies. 1(1).
34. World B.2001. The Challenges of Urban Government. Policies and Practices.